



دانش

ماهی در قفس ۲۸



دانش

آرزوی یک ستاره ۲۹



خانه

شورایاران بر تاکسی‌ها نظارت می کنند ۳۰



جامعه

علل افزایش جاتی در کشور تشریح شد ۳۰



الهه فراهانی

«دیگر خسته شده‌ام ، بین مرگ و زندگی دست و پا می زنم و هنوز تکلیفم روشن نشده است. ۵»

این حرف های کبری رحمانپور معروف به عروس سیاه‌بخت است که از سال ۷۹ به اتهام قتل مادر شوهر پشیر در زندان به سر می برد. کبری چندین بار در یک قدمی مرگ قرار گرفت اما گویا همه شرایط دست به دست هم داد تا زندگی را به این عروس سیاه‌بخت برگرداند.

پرونده کبری اکنون روی میز آیت الله شاهرودی رئیس قوه قضائیه قرار دارد. با اعلام نظر وی تکلیف نهایی کبری بعد از شش سال مشخص خواهد شد.

■ **ابتدای ماجرا**

ماجرا در سال ۷۹ آغاز شد. کبری که در آن موقع دختر ۲۰ ساله‌ای بود به خاطر مشکلات اقتصادی خانواده‌اش به عقد مرد ثروتمند ۶۴ساله‌ای درآمد. وی بعد از ازدواج به خانه شوهرش رفت و به همراه مادرشوهر ۹۰ساله‌اش زندگی را آغاز کرد. دختری که آرزو داشت همانند همسن و سال‌های خودش سوار بر اسب خوشبختی شود و زندگی مشترک را با عشق آغاز کند، از سر ناچاری به خانه مردی رفت که همسن پدربزرگش بود. ناچار بود تحمل کند.

روزها به سختی می گذشت. خانواده شوهرش این دختر را به چشم یک کنیز نگاه می کرد. این عروس سیاه‌بخت مرتب با مادرشوهرش درگیری داشت تا اینکه سرانجام روز حادثه دوباره با مادرشوهرش درگیر شد. کبری دچار جنون شده بود. خون جلوی چشمانش را گرفته بود و فقط به انتقام فکر می کرد. انتقام از روزگار که تمام آرزوهایش را از او گرفته بود. به آشپزخانه رفت و کاردی برداشت و بعد. . .

■ **یک ساعت بعد از حادثه**

کبری گویا تازه به خودش آمده بود که چه کار کرده است. چاقوی خون‌آلود در دست راستش بود. اطرافش جوی خون راه افتاده بود. باورش نمی شد مادر شوهر پشیر را با ۳۲ ضربه چاقو به قتل رسانده. چند ساعتی کنار جسد نشست و به بدبختی‌هایش فکر کرد. به آرزوهایش که به هیچ کدام از آنها نرسیده بود و حالا دستانش به خون آلوده شده بود. این جمله در ذهنش می رقصید: به زودی اعدام می شوی، مرگ انتظار تو را می کشد و . . .

راضی بود بمیرد و آرزوهایش را به گور ببرد، اما خانواده‌اش چه؟!

پدر و مادر و برادر معلولش که زیر مشکلات مالی کمرشان خم شده است. بغضش ترکیب و مثل باران بهاری گریه می کرد و . . .

آزیر ماشین پلیس حکایت از حادثه‌ای تلخ می داد. کبری دست‌بند به دست به اداره آگاهی تهران منتقل شد و جسد پریزن هم به پزشکی قانونی انتقال یافت.

کبری روی‌روی میز افسر بازجو نشست و آرام آرام گفت: خودم هم نمی دلم چرا مرتکب قتل شده‌ام. اما باور کنید من قاتل نیستم. به خانواده شوهرم بگوئید که جنون به سراغم آمد. مشکلات مثل تگرگ روی سرم

می‌بارید و راه‌حلی برای آنها پیدا نمی کردم. مجبور بودم به بدبختی‌هایم ادامه دهم. حالا هم که باید بقیه عمرم را پشت میله‌های زندان بگذرانم و مرگم را فریاد بزنم. . .

■ **محاکمه و حکم مرگ**

کبری در دادگاه جنایی تهران به پای میز محاکمه رفت و باز هم روز حادثه را شرح داد. دخترهای مقتوله هم تقاضای قصاص کبری را کردند و گفتند که هرگز حاضر نیستند از خون مادرشان بگذرند و کبری باید اعدام شود.

قاضی همتیار حکم اعدام کبری را صادر کرد. حکم صادره به تأیید قضات دیوان عالی کشور رسید.

■ **اجرای حکم**

یکی از روزهای زمستانی سال ۸۲ کبری رحمانپور از سلولش به محوطه زندان اوین منتقل شد تا به پای چوبه دار برود. ساعت چهار صبح بود. پیش از اجرای حکم، پدر و مادر کبری و خانواده مقتول جلوی زندان اوین حاضر شدند تا لحظات جان‌کندن عروس سیاه‌بخت را ببینند. کبری باید تا چند ساعت دیگر اعدام می شد، اما کو طناب؟

مستولان زندان اعلام کردند که طناب دار نداریم. انگار مسئولان زندان هم دلشان به حال این دختر بدبخت سوخته بود. آن طرف مادر و پدر کبری به پای مینا و بی‌بی دخترهای مقتول افتادند و به آنها التماس می کردند که از خون دخترشان بگذرند و با بخشش خود زندگی را به دختر بی‌پناهی برگردانند. اما مینا و بی‌بی حاضر به بخشش نبودند و لحظه‌شماری می کردند تا کبری را بالای دار ببینند.

حدود یک ساعت گذشت. عقربه های ساعت پنج بامداد را نشان می داد، اما هیچ طنابی در زندان نبود تا کبری را به کام مرگ فروبرد.

بدین ترتیب کبری دوباره به سلول تنهایی اش برگشت تا منتظر تصمیم دیگری باشد.

■ **پرونده در شورای حل اختلاف**

پرونده کبری به رئیس قوه قضائیه فرستاده شد. آیت‌الله شاهرودی بعد از مطالعه اعلام کرد که پرونده به شورای اختلاف فرستاده شود تا پس از برگزاری جلسه صلح و سازش، خانواده مقتول رضایت دهند و بدین ترتیب کبری از مرگ نجات پیدا کند.

■ **اولین جلسه شورای صلح و سازش**

در اولین جلسه خانواده مقتول حاضر نشدند و با فرستادن برگه‌ای خواستار قصاص کبری شدند.

■ **دومین جلسه**

چندی پیش دومین جلسه در شورای اختلاف برگزار شد. کبری به همراه دو مامور از زندان به شورا منتقل شد. هر بار به این امید از زندان به شورا می آمد که خانواده شوهر سابقش رضایت می دهند و دیگر به آن زندان تاریک و میله‌های ترسانک برنمی گردد. اما گویا آتش کینه در دل خانواده مقتول خاموش نشدنی بود چون در دومین جلسه شوهر، برادرشوهر و خواهرشوهرهای سابق کبری مجدداً تقاضای قصاص کبری را کردند.

یکی از دختران مقتوله گفت: این دختر مادر دلسوز

ما را با ۳۲ ضربه چاقو تکه‌تکه کرد. من پیکر مادرم را شستم و هیچ جای سالمی نداشت. این دختر با قساوت قلب مادرم را کشته بود و مستحق مرگ است. بی‌خود برای این دختر دلسوزی نکنید، او باید اعدام شود. . . . کبری نامیدتر از همیشه در ماشین زندان نشست تا مثل همیشه به سلول تنهایی اش برگردد. التماس‌های پدر و مادر کبری هم دل خانواده مقتول را نرم نکرد. حتی برادر معلول کبری هم با گریه از بی‌بی و مینا خواست تا خواهر خطاکارش را ببخشند، اما التماس‌ها و ضجه‌ها بی فایده بود.

■ **پرونده در اجرای احکام**

پرونده کبری مجدد از شورای حل اختلاف به اجرای احکام برگردانده شد. جلسه صلح و سازش هم نتوانست زندگی را به کبری برگرداند و او هنوز پشت میله های زندان در انتظار مرگ و زندگی است. با این شرایط، کبری در یک قدمی مرگ قرار گرفته است. این عروس سیاه‌بخت چند روز پیش تلفنی به خرمشاهی وکیلش گفت دیگر خسته شده است و دلش می‌خواهد زودتر تکلیفش روشن شود. شش سال است که بین مرگ و زندگی دست و پا می‌زند. . . .

عبدالصمد خرمشاهی وکیل مدافع کبری رحمانپور درخصوص پرونده موکلش گفت: درست است که کبری مرتکب قتل شده‌است و مادرشوهر پشیر را با ۳۲ ضربه چاقو به قتل رسانده، اما زندگینامه کبری دل آدمی

را به درد می‌آورد. من به خانواده مقتول حق می‌دهم، آنها هم مادرشان را از دست دادند و کبری هم به زندگی این مادر پایان داده‌است، اما آنها می‌توانند با بخشش خود، زندگی را به یک دختر سیاه‌بخت برگردانند. او به اندازه همان اشتباهی که مرتکب شده، مجازات‌اش شده است. در مدت این شش سال هر شب کابوس مرگ و طناب دار می‌بیند و هیچ امیدی به زندگی ندارد. از طرفی افکار عمومی متمرکز بر این پرونده شده و مردم و سازمان‌های خارجی منتظر هستند تا پایان این پرونده زودتر مشخص شود.

خرمشاهی ادامه داد: دو پسر مقتوله در خارج از ایران هستند و بسیاری از خبرنگاران خارجی به سراغ این دو برادر رفتند و از آنها رضایت گرفتند. آن دو هیچ نظری ندارند و از طرفی هم نمی‌خواهند با شکایت خود حق زندگی را از دختر جوانی بگیرند. اما بی‌بی و مینا همچنان اصرار دارند که کبری باید اعدام شود.

این عروس سیاه‌بخت یک بزهکار و قاتل حرفه‌ای نیست. او در یک شرایط خاص دچار جنون آتی شده و مادرشوهرش را کشته است. با مرگ کبری اتفاق خاصی نمی‌افتد. او یک جانی نیست که با اعدامش جامعه پاک شود. دستگاه قضایی برای بیجه (قاتل پاکدشتی) حکم اعدام صادر کرد و او چندی پیش به پای چوبه دار رفت و پرونده زندگی‌اش برای همیشه بسته شد. بیجه یک قاتل حرفه‌ای و خطرناک بود که اعدام او عبرتی برای سایرین شد. اما کبری یک بزهکار نیست و مرگش هیچ

تأثیری بر جامعه ندارد. این دختر در یک خانواده بی‌بضاعت بزرگ شد و مانند دخترهای دیگر آرزو داشت با پسر جوانی ازدواج کند و خوشبخت باشد. اما آرزوهایش نقش بر آب شد. مرد ۶۴ساله‌ای که همسر و فرزندانش در آمریکا هستند به خواستگاری کبری آمد. این دختر هم به خاطر مشکلات مالی خانواده‌اش، به عقد این مرد ثروتمند درآمد و فکر می‌کرد با ازدواج با این مرد، خانواده‌اش از مشکلات مالی نجات پیدا می‌کنند. اما غافل از اینکه چه بدبختی بزرگتری انتظار او را می‌کشید.

کبری بعد از ازدواج دچار افسردگی شد و در یک اقدام جنون‌آمیز به زندگی مادرشوهرش پایان داد و خودش اکنون پشت میله‌های زندان است.

خرمشاهی در پایان گفت: آیت‌الله شاهرودی زحمات بسیاری برای نجات کبری کشید که حتی به دست او پرونده به شورای حل اختلاف برای صلح و سازش فرستاده شد اما همچنان خانواده مقتول اصرار داشتند که کبری باید اعدام شود. به هر حال پرونده اکنون روی میز رئیس قوه قضائیه قرار داد. وی به زودی دروغی، دولت باید منع اصلی تأمین اعتبارات آموزش و پرورش باشد. «نیلی مهترین خصوصیت یک وزیر را توانایی او برای تهیه منابع می‌داند و معتقد است که از این نظر تفاوتی بین وزیر آموزش و پرورش و اقتصادی داری وجود ندارد. نیلی می‌گوید: «ترت اقتصادی مدیریت آموزش و پرورش باید پیگیری تحول در اقتصاد کشور باشد. غیرممکن است از یک اقتصاد ضعیف آموزش و پرورش شکوفایرون نیاید، باید منابع سرمایه وارد کشور شود، تا اقتصاد مامحول شود، نظام پارانهای اصلاح شود و سربز منابع و ثروت به سمت آموزش و پرورش و بهداشت حرکت کند.» استاد اقتصاد نفت را یکی از موانع توسعه کشور می‌داند و می‌گوید: «در کشورهای نفتی نظام‌های مالی هدایت می‌شوند به سمت گروه‌های اجتماعی که محبوبیت بیشتری برای سیاستمدار و تصمیم گیرنده ایجاد کنند و این مربوط به این دوره هم نیست. در گذشته هم همین‌طور بوده است. دوست داریم پول را طوری خرج کنیم که رضایت مقطعی مردم تأمین شود. در حالی که در کشورهایی که این منابع را ندارند چون اصل موضوع متنی است خودبه‌خودبه سمت حرکت‌های منطقی جهت داده می‌شوند.» نیلی افزود: «پولی که باید صرف آموزش و پرورش و بهداشت کنیم به صورت یارانه بزرزین و کارآزمادی مصرفی دیگر تلف می‌کنیم و بیشتر پول را به بخش‌های اساسی کشور می‌زنیم. در دولت معمولاً وزرای صنایع و نفت و . . . می‌گویند باید سرمایه‌گذاری کنیم، اماوزیر آموزش و پرورش فکر می‌کند این بحث‌ها مربوط به او نیست و مشغول امرار کذا نامه‌های کارتابلیش است. هر وقت هم صحبت از منابع می‌شود، می‌گویند منابع محدود را به ما بدهید تا مشکلاتمان حل شود و فکر می‌کنند که با این منابع محدود مشکل حل می‌شود.» به این ترتیب در مورد اقتصاد آموزش و پرورش سه نظریه در محافل اقتصادی و سیاسی وجود دارد: ۱- طرفداران اقتصاد دولتی بر پایه فروش نفت خام معتقدند در چارچوب اقتصاد بسته دولتی وظیفه دولت تأمین صد درصد هزینه‌های آموزش و پرورش است. این نظریه در عمل منجر به ناکارآمدی و برابری در فقر می‌شود. ۲- طرفداران اقتصاد آزاد که معتقد به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در آموزش و پرورش و ایجادمدارس متنتع هستند که به دلیل کم‌بازده بودن سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش بنگاه‌های اقتصادی و اشخاص علاقه‌ای به سرمایه‌گذاری در این بخش ندارند. ۳- طرفداران اقتصاد آزاد که معتقد به تعامل اقتصادی مثبت با دنیا، جذب سرمایه‌های خارجی، رونق اقتصادی و رشد و توسعه کشور و افزایش ثروت و درآمد کشور و تأمین هزینه‌های عمومی مانند بهداشت و آموزش از سوی دولت متناسب با نیازهای این بخش هستند.

به اتاق او رفته است، اما می‌دانست قصد داشته به او تعرض کند. بعد از این دو شکایت، شکایات دیگری هم در کلانتری ثبت شد اما سارق به سرقت‌های خود ادامه می‌داد و از هر خانه‌ای اشیای ارزشمند، سبک و قابل حمل را می‌دزدید. شکایت‌های بعدی علاوه بر سرقت اموال به تعرض به زنان هم اختصاص داشت تا جایی که سارق مثل گربه‌ای آرام و بی‌سروصدا وارد خانه‌ها شده و در یک فرصت مناسب، پس از خالی کردن جیب مرد خانه به سراغ زنان می‌رفت. سارق جوان زنان را از خواب بیدار می‌کرد و آنها به تصور آنکه او شوهرشان است، سروصدایی راه نمی‌انداختند. گزارش‌های مردمی از سرقت‌ها هر بار مورد جدیدی‌رادر کارنامه متهم فراری ثبت می‌کرد. او در جریان چند سرقت هنگامی که اعضای خانه از خواب بیدار شده بودند، به گفت‌وگو با آنها می‌پرداخت تا به خواب روند.

سارق خانه‌های پاکدشتی ۳۸ بار اقدام به سرقت خانه‌ها کرده که در آخرین سرقت خود گوشی موبایلی را دزدید که با ردیابی آن، پلیس موفق به دستگیری جوان ۲۰ساله‌ای به نام مهدی شد. متهم پس از دستگیری به سرقت از خانه‌های پاکدشتی اعتراف کرد و در دادگاه این شهرستان به اتهام سرقت توام با تهدید و آزار و تعرض به زنان محاکمه شد. قاضی دادگاه این متهم را به هفت سال حبس به اتهام سرقت توام با تهدید و آزار و ۱۲۰ ضربه شلاق به اتهام تعرض به زنان محکوم کرد.

راه‌های تأمین

منابع آموزش و پرورش

شیرزاد عبدالهی

در ساعت‌های پایانی روز یکشنبه ۸۵/۳/۲۱، در حالی که شهروندان تهرانی با شتاب به خانه‌های خود برمی‌گشتند تا بازی تیم‌های فوتبال ایران و مکزیک را با دلهره و هیجان تماشا کنند، جمعی از فرهنگیان با دغدغه‌ای متفاوت در سالن اجتماعات حزب مشارکت گرد آمده بودند تا سخنان دکتر مسعود نیلی نظریه‌پرداز اقتصادی و استاد دانشگاه صنعتی شریف را درباره اقتصاد آموزش و پرورش بشنوند. اولین و دومین نشست‌های تخصصی شاخه فرهنگیان جبهه مشارکت با حضور محمدعلی نجفی و مرتضی حاجی وزرای اسبق و سابق آموزش و پرورش برگزار شده بود. دکتر نیلی با مقایسه کارکرد احزاب در کشورهای توسعه‌یافته و عقب‌مانده می‌گوید: «احزاب کشور ما باید برای آموزش و پرورش برنامه داشته باشند. حزب باید مشکلات آموزش و پرورش را بشناسد و راه‌حل مشکلات به‌خصوص چگونگی تأمین منابع این بخش را هم باید ارائه دهد.» تاکنون کرای جلدی در مورد تجهیز منابع آموزش و پرورش صورت نگرفته است. در مهرماه سال ۸۳، وزارت آموزش و پرورش همایشی تحت عنوان اقتصاد آموزش و پرورش با مشارکت کارشناسان و مدیران سازمان برنامه و بودجه برگزار کرد. قرار بود اسناد این همایش در اختیار افکار عمومی قرار گیرد، و چنین جلساتی تکرار شود. اما تراکم مشکلات در وزارتخانه‌ای که حل و فصل امور روزمره در آن کاری است کارستان باعث شد که نه سندی منتشر شود و نه چنین همایشی تکرار شود. احزاب هم که سرشان به کار سیاسی گرم است و توجه به مسائل اجتماعی پیش‌بافتاده‌ای مانند آموزش و پرورش در دستور کارشان نیست. در چنین فضایی برگزاری این نشست‌های تخصصی از سوی شاخه فرهنگیان جبهه مشارکت مایه دلگرمی است. می‌توان امیدوار بود که احزاب دیگر و تشکل‌های صنفی معلمان و نیز وزارت آموزش و پرورش با برگزاری چنین جلساتی با حضور اساتید و صاحب‌نظران رشته‌های گوناگون بر غنای این بحث‌ها بیفزایند. فقر اندیشه در این حوزه بیداد می‌کند. نکته امیدوارکننده در این نشست‌ها حضور تعدادی از فعالان صنفی و اعضای تشکل‌ها و عبور آنها از فضای احساسی و به خشم آغشته چند سال گذشته و قدم نهادن در وادی اندیشه و بررسی کارشناسی مسائل و وداع با ساده‌انگاری‌های عاطفی در نگاه به مسائل این حوزه است. فراموش نکرده‌ایم که در دوره اصلاحات حضور کارشناسان و مدیران و مسئولان در جمع معلمان مثل قدم گذاشتن در میدان مین بود. در جلسه روز یکشنبه دکتر نیلی کلیات منابع و ثبات در تخصیص منابع را دو شرط لازم برای شکوفایی این بخش دانست و بر اهمیت عاملی به نام «سرمایه انسانی» در تئوری‌های اقتصادی نوین تأکیدکرد. وی متوسط سال‌های تحصیلی نیروی کار که در ایران کمی بالاتر از ۷ کلاس است را به عنوان شاخص کمی توسعه نیروی انسانی برشمرد و نرخ ثبت نام در آموزش ابتدایی و هزینه‌های دولت در بخش آموزش را به عنوان دو متغیر کمی برای سنجش میزان توسعه نیروی انسانی ذکر کرد. رئیس گروه اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف بازده سرمایه‌گذاری در بخش آموزش و پرورش را با بخش صنعت مقایسه کرد و گفت: «بازده سرمایه‌گذاری داری دو بخش عمومی و خصوصی است. آموزش و پرورش بازده خصوصی روشنی ندارد و بازده آن عمدتاً عمومی است مثل سرمایه‌گذاری در بخش امنیت و یا بهداشت، به همین دلیل بنگاه‌های اقتصادی علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در بخش آموزش درونی، دولت باید منبع اصلی تأمین اعتبارات آموزش و پرورش باشد. «نیلی مهترین خصوصیت یک وزیر را توانایی او برای تهیه منابع می‌داند و معتقد است که از این نظر تفاوتی بین وزیر آموزش و پرورش و اقتصادی و دارایی وجود ندارد. نیلی می‌گوید: «ترت اقتصادی مدیریت آموزش و پرورش باید پیگیری تحول در اقتصاد کشور باشد. غیرممکن است از یک اقتصاد ضعیف آموزش و پرورش شکوفایریون نیاید، باید منابع سرمایه وارد کشور شود، تا اقتصاد مامحول شود، نظام پارانهای اصلاح شود و سربز منابع و ثروت به سمت آموزش و پرورش و بهداشت حرکت کند.» استاد اقتصاد نفت را یکی از موانع توسعه کشور می‌داند و می‌گوید: «در کشورهای نفتی نظام‌های مالی هدایت می‌شوند به سمت گروه‌های اجتماعی که محبوبیت بیشتری برای سیاستمدار و تصمیم گیرنده ایجاد کنند و این مربوط به این دوره هم نیست. در گذشته هم همین‌طور بوده است. دوست داریم پول را طوری خرج کنیم که رضایت مقطعی مردم تأمین شود. در حالی که در کشورهایی که این منابع را ندارند چون اصل موضوع متنی است خودبه‌خودبه سمت حرکت‌های منطقی جهت داده می‌شوند.» نیلی افزود: «پولی که باید صرف آموزش و پرورش و بهداشت کنیم به صورت یارانه بزرزین و کارآزمادی مصرفی دیگر تلف می‌کنیم و بیشتر پول را به بخش‌های اساسی کشور می‌زنیم. در دولت معمولاً وزرای صنایع و نفت و . . . می‌گویند باید سرمایه‌گذاری کنیم، اماوزیر آموزش و پرورش فکر می‌کند این بحث‌ها مربوط به او نیست و مشغول امرار کذا نامه‌های کارتابلیش است. هر وقت هم صحبت از منابع می‌شود، می‌گویند منابع محدود را به ما بدهید تا مشکلاتمان حل شود و فکر می‌کنند که با این منابع محدود مشکل حل می‌شود.» به این ترتیب در مورد اقتصاد آموزش و پرورش سه نظریه در محافل اقتصادی و سیاسی وجود دارد: ۱- طرفداران اقتصاد دولتی بر پایه فروش نفت خام معتقدند در چارچوب اقتصاد بسته دولتی وظیفه دولت تأمین صد درصد هزینه‌های آموزش و پرورش است. این نظریه در عمل منجر به ناکارآمدی و برابری در فقر می‌شود. ۲- طرفداران اقتصاد آزاد که معتقد به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در آموزش و پرورش و ایجادمدارس متنتع هستند که به دلیل کم‌بازده بودن سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش بنگاه‌های اقتصادی و اشخاص علاقه‌ای به سرمایه‌گذاری در این بخش ندارند. ۳- طرفداران اقتصاد آزاد که معتقد به تعامل اقتصادی مثبت با دنیا، جذب سرمایه‌های خارجی، رونق اقتصادی و رشد و توسعه کشور و افزایش ثروت و درآمد کشور و تأمین هزینه‌های عمومی مانند بهداشت و آموزش از سوی دولت متناسب با نیازهای این بخش هستند.

گفت‌وگو با رئیس سازمان زندان‌ها

استقبال از مجازات‌های جایگزین زندان

عاطفه آزاد

مرکز منطقه‌ای خاورمیانه در این مورد اعلام کرده که کشورها برای مقابله با ایدز و زمینه‌های آن می‌توانند از برنامه‌های زندان‌های ایران الگو بگیرند. «

یساقی البته این موضوع را هم یادآوری کرد که تمامی زندان‌های کشور تا دورافتاده‌ترین نقاط دارای مجموعه‌های بهداشتی مذکور هستند.

او با تأکید بر حفظ روحیات زندانیان، خانواده‌ها و شخصیت آنها اضافه کرد: «بیماران را از سایر زندانی‌ها جدا نمی‌کنیم تا روحیه انزواطلبی به آنها تریق شود بلکه این افراد در درون مجموعه‌هایی نگهداری می‌شوند که شاید کسی نداند، آنها مبتلا به ایدز هستند.»

■ **ممنوع الملاقات‌ها می‌توانند دیدار خصوصی بگیرند**

رئیس سازمان زندان‌ها همچنین درباره مجوز ملاقات خصوصی برای زندانیان گفت که همه متقاضیانی که ممنوع‌الملاقات نباشند می‌توانند ملاقات بگیرند، مگر آنکه از سوی قضات شخصی ممنوع باشند. البته در این مورد امکانات سازمان هم لحاظ می‌شود.

یساقی در تشریح این موضوع افزود: در جاهایی که تراکم در این امکان به وفور می‌توان استفاده کرد اما در

غیر عمدی مثل تصادف یا جرایم مالی شده‌اند، فرصت‌هایی داده می‌شود تا به خانواده‌هایشان سر بزنند، کار کنند و رضایت شاکي خود را جلب کنند.

رئیس سازمان زندان‌ها درباره کنترل جرایم ازجمله جرایم جنسی طبقه‌بندی‌های انجام شده از نظر سنی و جنسی را شرح داده و گفت: «علاوه بر جدایی بند نسوان و مردان، تفکیک سنی هم انجام می‌شود. سنین مختلف نسبت به

این مسئله حساسیت‌های خاص خود را دارند بنابراین نوجوانان از محیط زندان کاملاً تفکیک شده‌اند.»

یساقی در تشریح سایر اقدامات سازمان زندان‌ها درباره جلوگیری از جرایم به اقدامات فنی زندانیان‌ها هم اشاره کرد و افزود: «مراقبین شب‌ها حضور دارند، روشنی در بندها اعمال می‌شود و بازرسی‌های غیر متروقه و استفاده از تخت در راستای جلوگیری از ابتگونه جرایم است.»

■ **ایدز و بیماری‌ها را در زندان کنترل می‌کنیم**

رئیس سازمان زندان‌ها با بیان اینکه زندان‌های ایران بنابه اقرار سازمان بهداشت جهانی از جهت بیماری‌هایی مانند ایدز به طور کامل تحت کنترل است، به کلینیک‌های مثلی برای کنترل بیماری‌های ایدز، هپاتیت و سل اشاره کرد و ادامه داد: «سازمان بهداشت جهانی، زندان‌های ایران را